

حکمرانی خوب در آینه‌ی «کتاب دده قورقود» (بازخوانی یک متن کهن ادبی)

* اصغر ایزدی جیران

** رحیم یوسفی اقدام

کد مقاله: ۳۲۰

چکیده

هدف مقاله‌ی حاضر بررسی نشانه‌ها و رگه‌هایی از حکمرانی خوب در متون کهن است. کتاب دده قورقود به عنوان یکی از متون کهن ادبی زبان ترکی اوغوزی مشتمل بر یک مقدمه و دوازده داستان می‌باشد که از روزگاران قدیم توسط آشپق‌ها یا هنرمندان مردمی آذربایجان در قالب ادبیات شفاهی حفظ و به نسل‌های بعد منتقل شده است. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی از دو روش بهره برده است: ۱- تاویل متن (رویکرد گادامر) و ۲- تحلیل محتوای کیفی (فنون کاربرد قیاسی و تکوین استقرایی مقوله‌ها). جهت مقایسه و اطمینان از صحت از سه متن استفاده شده است: متن معرّم ارگین (ترکی)، متن جفری لوئیس (انگلیسی و ترجمه فارسی حریری اکبری و عذبدفتری) و متن بهزاد بهزادی (از نسخ گوناگون با ترجمه فارسی). با کاربرد قیاسی مقوله‌های متن مورد مطالعه، معرف‌های ویژه‌ای از حکمرانی خوب در قالب سه رویکرد اصلی آن، مدیریتی، اقتصادی و سیاسی - حقوقی، شناسایی شدند. از سوی دیگر تکوین استقرایی مقوله‌های متن، معرف‌های دیگری نیز تشخیص داده شدند که فراتر از سه رویکرد اصلی، رویکردی دیگر و در واقع جدیدی را برای حکمرانی خوب مطرح می‌کنند: رویکرد اخلاقی.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، کتاب دده قورقود، آذربایجان، رویکردهای سه‌گانه، رویکرد اخلاقی، متون کهن ادبی، تحلیل محتوای کیفی.

مقدمه و طرح مسأله

مقاله‌ی حاضر به بررسی یکی از متون کهن ادبی مربوط به ترکان اوغوز با تمرکز بر شیوه‌ها و چگونگی حکمرانی در آن می‌پردازد. پاسخگویی به این که متن، در قیاس با رویکردهای اصلی حکمرانی خوب، چه وضعیت و نسبتی دارد، هدف اساسی مقاله است. مسأله‌ی اصلی پژوهش حاضر این است که آیا حکمرانی خوب که در دهه‌های اخیر مطرح شده است، رگه‌ها و نشانه‌هایی نیز در دوران‌های گذشته دارد یا نه. پاسخ به این مسأله ما را به سوی بررسی و تحلیل آثار بر جای مانده از گذشتگان وا می‌دارد. در میان این آثار متون ادبی و حماسی جایگاهی ویژه دارند، چرا که در آن‌ها بیشتر به مباحث حکمرانی اشاره شده است و لذا می‌توان با کنکاش در سطور این متون به نحوه اداره‌ی سرزمین و ارتباط میان مردم و حاکمان و شیوه‌ی حکمرانی پی برد.

وجود فاصله زمانی میان مفاهیم جدیدی چون حکمرانی خوب و متون کهن ادبی، مسأله‌ی عدم انطباق این دو را پیش می‌کشد. لذا بایستی تأکید کرد که هدف مقاله، نه انطباق کامل این دو و استخراج شاخص‌های دقیق از متن، بلکه نزدیک کردن افق معنایی حاضر در قالب مفهوم حکمرانی خوب به افق معنایی یک متن کهن است. لذا انطباق کامل و استخراج دقیق ویژگی‌ها و معرف‌های امروزی و جدید منتسب به حکمرانی خوب از متون سنتی و قدیمی منطقی و مطلوب است. چرا که اولاً به لحاظ منطقی نمی‌توان مفهومی جدید را از مفاهیم سنتی استخراج کرد و ثانیاً هر بافت تاریخی و اجتماعی - فرهنگی می‌تواند الگوی ویژه‌ای از مفهومی را به وجود آورد که در حدود شرایط زمانی و مکانی آن پذیرفتنی است.

افق‌های معنایی امروزی با افق‌های معنایی گذشته در محدوده‌ی زبانی مشترکی زیست می‌کنند و همین زبانمندی افق‌ها باعث فهم می‌شود (گادامر، ۲۰۰۴). از همین روست که آثار گذشته وقتی خوانده می‌شوند، نخست معنای امروزی دارند (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۵۷۱). با این رویکرد می‌توان فهمی را از یک متن کهن در ارتباط با مفهومی جدید به دست داد.

از میان متون کهن ادبی، یکی از آن‌ها، «کتاب دده قورقود»، برای بررسی انتخاب شده است. علت انتخاب این متن برای مطالعه در درجه اول به یکی از ویژگی‌های خود متن، یعنی حماسی بودن، بر می‌گردد؛ چرا که این ویژگی در بر دارنده‌ی اشارات فراوانی به نحوه حضور حکمرانان در جامعه و شیوه‌های حکمرانی آن‌هاست. در درجه دوم اهمیتی

است که متن به لحاظ فرهنگی دارد؛ از همین رو بوده است که سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد، یونسکو، سال میلادی ۱۹۹۹ را سال جهانی بزرگداشت «کتاب دده قورقود» اعلام کرد (بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۷؛ فرآذین، ۱۳۸۱، ص ۱۰؛ لوتیس، ۱۳۷۹).

حکمرانی خوب^۱

مفهوم «حکمرانی خوب» در طول دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ برای تغییرات سیاستی جهت اصلاح نظام‌های سیاسی مطرح شد. اخیراً نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان ملل اجرای آن را به عنوان پیش‌شرطی برای کمک‌های خود در کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته‌اند (نیومایر^۲، ۲۰۰۳؛ ناند^۳، ۲۰۰۶). حکمرانی خوب به عنوان ابزاری نگریسته شده است که کشورها توسط آن التزام خود به توسعه اقتصادی و اجتماعی را نشان می‌دهند (ناند، ۲۰۰۶، ص ۲۶۹؛ دمرز و دیگران^۴، ۲۰۰۴). نهادهای بین‌المللی همچون سازمان ملل و بانک جهانی برای ارتقای حکمرانی خوب خصوصاً در آفریقا، آسیا و دیگر^۵ (۱۹۹۸؛ هاجارت و دیگران^۶، ۲۰۰۴) و آسیا، تاناکور و دیگری^۷ (۲۰۰۴) تلاش‌های گسترده‌ای کرده‌اند. همچنین گروه جی ۸ (۸ کشور صنعتی جهان) در سال ۲۰۰۵ خود را ملتزم به کمک به کشورهای در حال توسعه کردند که ارتقای حکمرانی خوب در مرکز این تعهد جدید بود. از نظر این نهادها، حکمرانی خوب برای صلح، ثبات، توسعه پایدار، و رشد حیاتی است. بدون حکمرانی خوب، تمامی اصلاحات دیگر اثرات محدودی خواهد داشت (نیومایر، ۲۰۰۳؛ وودز^۸، ۲۰۰۷). کمک توسعه رسمی^۹ توسط کشورهای آلمان، فرانسه، بریتانیا و جامعه اتحادیه اروپا در بین سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۵ به حکمرانی خوب در کشورهای در حال توسعه صورت گرفت (زانگر^{۱۰}، ۲۰۰۰). به نظر می‌رسد تحقق توسعه پایدار در گرو داشتن حکمرانی خوب است (هاجارت و دیگران، ۲۰۰۴؛ اوتنیکیو^{۱۱}، ۲۰۰۴؛ دمرز و دیگران، ۲۰۰۴).

پیچیدگی مفهوم حکمرانی ارابه یک تعریف ساده از آن را دچار مشکل می‌سازد. حکمرانی به ساده‌ترین بیان به چگونگی ارتباط بین شهروندان و حکومت اشاره دارد. در نظریه حکمرانی، کارآمدی دولت تابعی از چگونگی ارتباط شهروندان با حکومت است. حکمرانی در بخش‌های مختلفی قابل استفاده است (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۴۴). تعریف حکمرانی خوب بر اساس ارزش‌ها و هنجارهایی می‌باشد که غالباً نسبی‌اند؛ لذا ارابه یک مدل

حکمرانی واحد برای همه‌ی کشورها را دچار مشکل می‌سازد. اما ارزش‌ها و هنجارهای جهان‌شمولی وجود دارد که کار مقایسه ارزیابی انواع حکمرانی را ساده می‌سازد. از آنجایی که به نظر برخی از محققین، هیچ معیار مشخصی برای تعیین حکمرانی خوب وجود ندارد (ناندا، ۲۰۰۶، ص ۲۶۹؛ دمزر و دیگران، ۲۰۰۴، ص ۲)، تنها به جنبه‌هایی از آن می‌توان اشاره کرد.

نهادهای ملی، دانشگاهی و بین‌المللی تعاریف مختلفی را از اصطلاح حکمرانی خوب ارائه کرده‌اند. برنامه توسعه سازمان ملل^{۱۱} حکمرانی خوب را استفاده از قدرت سیاسی و اداری در تمام سطوح دولت برای برخورد مناسب با مشکلات پیش روی دولت تعریف می‌کند (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۴۵). بنابر نظر این نهاد حکمرانی خوب شاخص‌های زیر را دارد:

- ۱- پاسخ‌گویی؛ ۲- اجماع‌محوری؛ ۳- شفافیت؛ ۴- مشارکت‌جویی؛ ۵- قانون‌محوری؛
- ۶- مسؤولیت‌پذیری؛ ۷- عدالت‌جویی؛ ۸- کارآیی و اثربخشی (ناندا، ۲۰۰۶؛ دمزر و دیگران، ۲۰۰۴؛ نیومایر، ۲۰۰۳؛ تارلینگ و دیگران، ۲۰۰۵).

مؤسسه بانک جهانی^{۱۴} نیز در سال ۱۹۹۹ اقدام به تعریف و تعیین شاخص‌هایی برای حکمرانی خوب کرده است. حکمرانی از دید این مؤسسه، سنت‌ها و نهادهایی که تعیین‌کننده‌ی چگونگی اعمال اقتدار در یک کشور است، تعریف شده است (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۴۵). شاخص‌های حکمرانی خوب - شامل صدها متغیر است که از حدود ۲۵ منبع گردآوری شده است - از دید این مؤسسه بین‌المللی به قرار زیر می‌باشد: ۱- حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی^{۱۵}: در بر گیرنده‌ی حقوق سیاسی افراد جامعه که معرف‌هایی چون تغییر منظم در حکومت، توزیع برابر فرصت‌ها، نظام حقوقی شفاف و عادلانه و... را شامل می‌شود. ۲- ثبات سیاسی و عدم خشونت^{۱۶}: احتمال بی‌ثباتی یا براندازی دولت با ابزارهای غیرقانونی یا خشونت‌بار. ۳- اثربخشی حکومت^{۱۷}: توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های درست. ۴- حاکمیت قانون^{۱۸}: احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که بر تعاملات آنان تاثیر می‌گذارد. ۵- مبارزه با فساد^{۱۹}: عدم استفاده از قدرت عمومی در جهت منافع شخصی یا گروهی (کورواکازورا و دیگری، ۲۰۰۴؛ تارلینگ و دیگران، ۲۰۰۵؛ نندا، ۲۰۰۶؛ دمزر و دیگران، ۲۰۰۴؛ نیومایر، ۲۰۰۳).

حکمرانی خوب برای توزیع مجدد دارایی‌ها برای اقشار آسیب‌پذیر خصوصاً زنان ضروری است. قایل شدن حقوقی برای زنان جهت رسیدن به امنیت و پایگاه اجتماعی توسط حکمرانی خوب میسر است (ناتان و دیگری^{۲۱}، ۲۰۰۲، ص ۳۷۳). برخی دو مکانیسم را در اشاعه جهانی حکمرانی خوب مؤثر می‌دانند: ۱- نیروهای درونی که در صدد افزایش اثربخشی نظام‌های موجود می‌باشند و ۲- نیروهای بیرونی که به دنبال افزایش مشروعیت هستند (کورو-کازورا و دیگری، ۲۰۰۴، ص ۴۳۵، برک، روزا^{۲۲}، ۲۰۰۱).

در یک جمع‌بندی از نظریات مختلف ارائه شده درباره‌ی حکمرانی خوب، می‌توان سه رویکرد اصلی را تشخیص داد. ۱- رویکرد مدیریتی و تکنوکراتیک: در رویکرد مدیریتی می‌توان به معرف‌هایی چون اثربخشی، پاسخگویی، شفافیت، مبارزه با فساد، حاکمیت قانون و . . . اشاره کرد (لانگلاز^{۲۳}، ۲۰۰۴، تاریخنگ و دیگران، ۲۰۰۵). ۲- رویکرد اقتصادی: این رویکرد عمدتاً به دنبال اهداف و استراتژی‌های تقلیل فقر و کمک به اقشار آسیب‌پذیر است (وودز، ۲۰۰۷، واگنر^{۲۴}، ۲۰۰۴، ص ۱۲۹، عبداللطیف^{۲۵}، ۲۰۰۳، ص ۳، تاریخنگ و دیگران، ۲۰۰۵). ۳- رویکرد سیاسی - حقوقی: رویکرد سوم به مسایل حکومتی همچون حقوق انسانی، دموکراسی، آزادی بیان و مطبوعات، انتخابات آزاد، نظام سیاسی چندحزبی، جامعه مدنی قدرتمند و . . . می‌پردازد (دبیل و دیگری^{۲۶}، ۲۰۰۵، ص ۲، گوتال^{۲۷}، ۲۰۰۲، ص ۴۷، هاجارت و دیگران، ۲۰۰۴).

جدول شماره (۱): رویکردها و معرف‌های عمومی در حکمرانی خوب

رویکردها	معرف‌ها و منابع
مدیریتی و تکنوکراتیک	- اثربخشی (کورو-کازورا و آمولر، ۲۰۰۴؛ دمرز و دیگران، ۲۰۰۴) - شفافیت (دمرز و دیگران، ۲۰۰۴؛ نیومایر، ۲۰۰۳) - مبارزه با فساد (ناندا، ۲۰۰۶؛ دمرز و دیگران، ۲۰۰۴؛ تاریخنگ و دیگران، ۲۰۰۵) - حاکمیت قانون (ناندا، ۲۰۰۶؛ دمرز و دیگران، ۲۰۰۴) - ثبات (وودز، ۲۰۰۷؛ دمرز و دیگران، ۲۰۰۴)
اقتصادی	- تقلیل فقر (وودز، ۲۰۰۷؛ دمرز و دیگران، ۲۰۰۴؛ نیومایر، ۲۰۰۳؛ واگنر، ۲۰۰۴)
سیاسی - حقوقی (حقوق انسانی و دموکراسی)	- امنیت شهروندان (دبیل و تزلین، ۲۰۰۵) - حق اظهار نظر (آزادی بیان) و پاسخگویی (ناندا، ۲۰۰۶؛ دمرز و دیگران، ۲۰۰۴؛ نیومایر، ۲۰۰۳؛ زانگر، ۲۰۰۰؛ نیومایر، ۲۰۰۳؛ عبداللطیف، ۲۰۰۳؛ واگنر، ۲۰۰۴؛ گوتال، ۲۰۰۲) - انتخابات آزاد (زانگر، ۲۰۰۰) - نظام سیاسی چندحزبی (هاجارت و دیگران، ۲۰۰۴) - جایگاه و حقوق زنان (ناتان و دیگری، ۲۰۰۲)

این پژوهش به دنبال یافتن رگه‌ها و نشانه‌هایی از حکمرانی خوب است که بتوان آن‌ها را در سه رویکرد اصلی مذکور در حکمرانی خوب قرار داد. اما بایستی تاکید کرد که معرف‌های این سه رویکرد بنا به متن، که مانند هر متن دیگری خاص‌گرایی فرهنگی

ویژه‌ای دارد، می‌تواند متفاوت و یا همسو با معرف‌هایی باشد که در نظریه‌ها مطرحند، که به این موضوع در بخش نتیجه‌گیری اشاره خواهیم کرد. آنچه که مهم است قرار گرفتن معرف‌های متن در قالب سه رویکرد اصلی است، معرف‌هایی که به افق معنایی حاصل از مفهومی چون حکمرانی خوب نزدیک هستند. یکی از علایم خاص بودن متن مورد مطالعه، مانند هر متن دیگر، آن است که باعث معرف‌ی رویکرد دیگری نسبت به حکمرانی خوب شده است که در بخش یافته‌ها خواهد آمد.

معرفی متن مورد مطالعه

«کتاب دده قورقود»^{۲۸}، کهن‌ترین اثر مکتوب و شاهکار ادبی و حماسی و اسطوره‌ی باستانی زبان ترکی اوغوز است که با گویش ترکی آذربایجانی به رشته تحریر درآمده است (راشدی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۵؛ سرداری‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۹۲؛ بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۷؛ قرآذین، ۱۳۸۱، ص ۱۸؛ هادی، ۱۳۸۶، ص ۴۳۶؛ فیض‌الهی، ۱۳۶۹، ص ۴؛ برک، سومر، ۱۳۸۰). اولین کسی که از او در کتاب، در مقدمه‌ی آن، یاد می‌شود شخصیتی است به نام «دده قورقود». در زبان ترکی، دده به معنای پدربزرگ، قور به معنای آتشین، قود یا قورد یا قوت به معنای گرگ است (هادی، ۱۳۸۶، صص ۴۳۶ و ۶۶۱؛ دانشقین، ۱۳۸۴؛ برک، چاپلی، ۱۳۸۶). دده قورقود از قبیله بایات (به معنای قدیمی، کهن و اصیل) فرزند دوم گون‌خان پسر اوغوزخان است (بولدوک، ۱۹۹۵، ص ۲۴۸؛ بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۱۳؛ لوتیس، ۱۳۷۹، ص ۲۴۵). زبان اثر، زبان حدود هزار سال پیش مردم آذربایجان و ترکیه‌ی امروزی است. داستان‌های اثر به مراتب قدیمی‌تر از زمان نوشته شدن کتاب و قبل از مسلمان شدن ترکان است (راشدی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۵؛ قرآذین، ۱۳۸۱، ص ۴۹). زبان و سبک داستان‌های دده قورقود نخستین نمونه‌ی ادبیات شفاهی مردمی آذربایجان است. زبان داستان‌ها با توجه به زمان و مکان تکوین نهایی داستان‌ها، زبان ترکی رایج در آذربایجان و آناتولی است. متن مربوط به زمانی است که هنوز ترکی آذربایجانی از ترکی آناتولی جدا نشده است (لوتیس، ۱۳۷۹، ص ۱۷۸؛ بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۱۸). یکی از احتمال‌های علت نام‌گذاری متن به کتاب دده قورقود آن است که در انتهای تمامی داستان‌های ۱۲ گانه ساختن و پرداختن متن به دده قورقود نسبت داده شده است: «ددهم قورقورد داستان، پرداخت شعر و سرود، این اوغوزنامه را به رشته نظم و نثر کشید».

«دستان‌ها» یا «حماسه‌های مردمی»^{۲۹} (ویلیکس، ۱۹۹۵، ص ۱) دوازده‌گانه متن به نظم و نثر نوشته شده‌اند؛ نثر دستان‌ها ساده و به زبان مردمی است و در خلال آن‌ها انواع مختلف آثار ادبی شفاهی مانند بایاتی، نغمه، ضرب‌المثل، و حتی مرثیه دیده می‌شود. این متن، اثری حماسی است و هر کدام از دستان‌ها درباره‌ی دلاوری‌ها و ماجراهای دل‌انگیز یکی از قهرمانان کتاب است. در این دستان‌ها قهرمانی‌ها و شیوه‌ی زیست و باورهای ترکان اوغوز شرح شده و ویژگی‌های انسانی آن‌ها ستوده شده است. اشعار دستان‌ها را «اوزان‌ها»^{۳۱} (که امروزه به آن‌ها «آشیق»^{۳۲} می‌گویند) سروده و همراه با «ساز»، «قوپوز»^{۳۳}، چادر نشین بودند، باشند (فار، ۱۹۷۶، ص ۵۵-۵۴). آشیق، در مناطق مختلف باخشی و باغشی (ازبکستان و ترکمنستان)، آکین و باکسی (قزاقستان)، ماناس چی (قرقیزستان)، حافظ (تاجیکستان) و ژیرائوس (قاراقالپاق‌ها) نیز نامیده می‌شود (رئیس‌نیا، ۱۳۷۷، ص ۸۷؛ فار، ۱۹۷۶، ص ۵۴).

اشعار کتاب در حدود ۲۰۰۰ بیت بوده است و تقریباً ۳۵ درصد کل مطالب را تشکیل می‌دهند. اغلب اسامی مکان‌هایی همچون «کوه‌های قازلیق، الینجه قالاسی، گویجه گولی، دره‌شام، دمیرقایی، قاراجیق، قاراداغ، آلاداغ و بایات» که به عنوان محل وقوع حوادث و دستان‌ها آمده مربوط به آذربایجان ایران و مناطقی مانند «شروان، دربند، گنجه، بردع» متعلق به کشور جمهوری آذربایجان است، ولی از شهرهای شرقی آناتولی نیز مانند «طرابزون، بایورد و ماردین» هم یاد شده است (بولدوک، ۱۹۹۵، ص ۲۵۱؛ فرآذین، ۱۳۸۱، ص ۳۳ و ۴۵؛ لوئیس، ۱۳۷۹، ص ۱۷۹؛ بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۱۴).

دستان‌های کتاب دده قورقود بر اساس اساطیر و تاریخ اوغوزها پرداخته و سروده شده است. «اوغوزخان» شخصیت اسطوره‌ای و تاریخی نیز هست. شش فرزند او یعنی «گون‌خان، آی‌خان، اولدوزخان، گوگ‌خان، داغ‌خان و دنیزخان» (فضل‌الله، ۱۳۸۴، ص ۶۲؛ سیدواف، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱-۱۹۳) هر یک صاحب چهار فرزند شده‌اند و پایه‌گذاران ۲۴ قبیله اوغوز گردیدند: گون‌خان (قایی، بایات، آقراولی، قارا ائولی)، آی‌خان (یا زیر، دوغر، دولدوغا، یاپارالی)، اولدوزخان (آوشار، قیزیق، بیگیدلی، قارقین) که اوغوز درونی (ایچ اوغوز یا اوچ اوخ) و گوگ‌خان (باییندر، پچنک، چاولدور، چپه‌نی)، داغ‌خان (سالور، ایبور،

آلیونتلی، یوره‌گیر) و دنیزخان (ایغدیر، بوغدوز، ییوا، قینیق) که اوغوز بیرونی (تاش اوغوز یا بوز اوخ) را تشکیل می‌دادند (اوزدک، ۱۳۸۰، ص ۶۲؛ بهزادی، ۱۳۸۱، صص ۱۰-۱۲؛ فرآذین، ۱۳۸۱، ص ۳۱؛ رک. کاشغری، ۱۳۸۳).

کتاب دده قورقود، سرمنشأ داستان‌های حماسی و غنایی آذربایجان و آناتولی به شمار می‌آید (رئیس‌نیا، ۱۳۷۷، ص ۶۵). داستان‌های آشیق‌های آذربایجان را باید در مجموع در دو گونه ویژه جای داد: ۱- داستان‌های حماسی همچون «دده قورقود، کوراوغلو، قاجاق‌نبی، شاه‌صنم ختایی» و . . . که به «ایگیدلیک داستانی» (داستان‌های قهرمانی) معروف‌اند. ۲- داستان‌های غنایی همانند «اصلی و کرم، آشیق‌غریب و شاه‌صنم، عباس و گولگز» و . . . که به «محبت داستانی» اشتهار دارند (رسولزاده، ۱۳۸۷، صص ۱۸۱-۱۸۲؛ فیض‌الهی، ۱۳۶۹، ص ۶).

نسخ خطی متن. سه نسخه خطی از کتاب دده قورقود شناخته شده است: ۱- نسخه «درسدن»^{۳۶} آلمان: شامل ۱۲ داستان و یک مقدمه در ۳۰۳ صفحه، هر صفحه ۱۳ سطر؛ تحت عنوان «کتاب دده قورقوت علی لسان طایفه اوغوزان»، که در اوایل قرن نوزدهم یافت شد. ۲- نسخه «واتیکان»: مشتمل بر ۶ داستان (داستان‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۷ و ۱۲) و مقدمه در ۱۱۹ صفحه، هر صفحه ۱۳ سطر، که در اواسط قرن بیستم پیدا شد. ۳- نسخه «برلن»: در ۳۷ صفحه و هر صفحه ۳۴ سطر؛ رونوشت بخشی از نسخه درسدن (آنار، ۱۳۸۱؛ بهزادی، ۱۳۸۱). نسخه درسدن توسط «یاکو» و «رئیسکه» مصرشناس آلمانی در فهرست کتابخانه سلطنتی درسدن ثبت گردید. در سال ۱۸۱۵ فون دیتس^{۳۷} شرق‌شناس آلمانی یکی از داستان‌های کتاب را به آلمانی ترجمه و منتشر کرد و به این ترتیب این کتاب معرفی گردید. سپس «تئودور نولدکه» شرق‌شناس دیگر آلمانی در سال ۱۸۵۹ به ترجمه کامل کتاب پرداخت، اما توفیق نیافت. «بارتولد» شرق‌شناس روسی که شاگرد وی بود، به تکمیل کار او همت گماشت و چهار داستان کتاب را بررسی و ترجمه نمود و در ۱۸۹۰ منتشر کرد؛ در سال ۱۹۲۲ ترجمه روسی کتاب را به پایان برد ولی موفق به چاپ آن نشد. نهایتاً در سال ۱۹۵۰ حمید آراسلی و محمدحسین طهماسبی آن را منتشر کردند.

در سال ۱۹۱۶ «معلم رفعت» متن کتاب را با الفبای عربی منتشر کرد. در سال ۱۹۳۸ «محرم ارگین» با استفاده از نسخ درسدن و واتیکان و با تغییر برخی از واژه‌ها به لغات رایج امروزی، قرائت دیگری را به چاپ رساند و در سال ۱۹۶۲ جلد دوم کتاب شامل

توضیحات را در دسترس علاقه‌مندان قرار داد. در سال ۱۹۶۲ ترجمه روسی کتاب توسط «یاکوبوفسکی، ژیرمونیسکی و کونونوف» بر پایه نسخه بارتولد چاپ گردید. در سال ۱۹۷۳ «اورخان شایق گوگ یای» متن کتاب را با توضیحات مفصل و به انضمام واژه‌نامه مشتمل بر ۴۸۲۵ واژه انتشار داد. در سال ۱۹۸۰ «شامیل جمشیدوف» کتاب را به زبان ساده در باکو به چاپ رساند. در سال ۱۹۸۸ «فرهاد زینالف و صمد علیزاده» ضمن ارایه تطبیقی قرائت‌های مختلف متن را انتشار دادند. در سال ۱۳۵۵ ترجمه و نگارش اثر به زبان فارسی توسط «فریبا عذبدفتری و محمدحربی اکبری» صورت گرفت. کتاب دده قورقود در سال ۱۳۵۸ توسط «محمدعلی فرزانه» و در سال ۱۳۷۸ توسط «حسین محمدخانی» به زبان اصلی انتشار یافت. نهایتاً در سال ۱۳۸۱ ترجمه‌ای به زبان فارسی از روی چندین نسخه توسط «بهزاد بهزادی» چاپ شد.

پیشینه‌ی تجربی در خصوص متن مورد مطالعه

با این‌که داستان‌های دده قورقود در طول زمان‌های بسیار گذشته در حوزه فرهنگی گسترده‌ای سینه به سینه حفظ شده است، ولی از زمان کشف اتفاقی متون آن، به عنوان یکی از اسناد بزرگ مردم‌شناختی، اساطیری و حماسی که قدمت برخی روایات آن اساساً به دوران‌های پیش از تاریخ برمی‌گردد، از سوی دانشمندان و مراکز پژوهشی با استقبال فراوانی مواجه شده و بلافاصله به زبان‌های مهم اروپایی برگردانده و مورد بررسی و تفسیر قرار گرفته است (فرآزین، ۱۳۸۱، ص ۹). مطالعات انجام‌شده از کتاب دده قورقود عمدتاً به بررسی‌های تطبیقی اختصاص یافته است. از این میان دانشمندان اروپایی (دیتس و فیشر)، روسی (بارتولد)، ترکیه (اورخان شائق، محرم ارگین)، آذربایجان (حمید اراسلی، دمیرچی‌زاده، جمشیداف، آنار) و ایران (فرزانه، سیدسلامت، هیأت) به بررسی این کتاب پرداخته‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

فون دیتس دانشمند آلمانی، پس از ترجمه‌ی یکی از داستان‌های کتاب یعنی «دستان تپه‌گوز» به زبان آلمانی، آن را با داستان «غول یک چشم» کتاب حماسی معروف اودیسه «هومر»، شاعر معروف یونانی، مقایسه کرده است (فرآزین، ۱۳۸۱، ص ۱۸). میرعلی سیدسلامت (۱۳۸۶) که اسطوره‌شناس آذربایجان است در اثر خود، مقدمه‌ای بر بررسی کتاب دده قورقود، به استخراج مفاهیم اساطیری کتاب دده قورقود پرداخته و تلاش کرده است تا با

کنار نهادن زوایدی که در سیر تاریخی بر کتاب افزوده شده، شکل ابتدایی آن را در نظر گیرد. نهایتاً نویسنده به دنبال کشف جهان‌بینی اساطیری بوده است و از همین رو روایت دده قورقود را به عنوان بیانی از گاه چهارم آفرینش در اساطیر آذربایجان می‌داند. بولوت قره‌چورلو، «سهند»، (۱۳۸۲ و ۱۳۸۶) با به نظم کشیدن داستان‌های متن در سه مجلد با عناوین «سازیمین سوزو، قارداش آندی، دده‌مین کیتابی»، نیز برداشتی شاعرانه و هنری از اثر را ارائه داده است.

آثار که از محققان فرهنگ آذربایجان است در اثر خود، دده قورقود در سال ۱۳۸۱، علاوه بر آوردن متن اصلی داستان کشته شده تپه‌گوز توسط باسات و نیز داستان دلی‌دومرول، به بررسی دنیای دده قورقود (دده قورقود دونیاسی) پرداخته است و سعی در شناساندن حوزه‌ی فکری غالب در جهان دده قورقود دارد. بررسی معانی فرهنگی عناصر مختلف کتاب، همچون با تکیه اساسی بر اسامی و نیز اعمال قهرمانان، هدف اصلی محقق را تشکیل داده است. شریدان^{۳۸} (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان کتاب دده قورقود در پرتو فرضیه فرموله شفاهی بر آن است که رویکردهای متن‌محور که از گرایش‌های فرهنگ نوشتاری نشأت می‌گیرند، بایستی در مطالعه روایت‌های دده قورقود کنار گذاشته شوند. به جای آن این روایت‌ها، که بر تولید فرهنگ شفاهی وابسته‌اند، بایستی در درون زمینه فرضیه‌های فرموله شفاهی بررسی شوند. شریدان، با در ارتباط قراردادن ساختار جملات و شیوه گفتار آشیق‌ها، همچون «باغلاما، دئیشمه و . . .»، و نیز مقایسه نحوه گویش‌های نسخه درسدن با نسخه واتیکان، به دنبال بسط رویکرد شفاهی‌محور در برابر رویکرد نوشتاری‌محور در بررسی کتاب بوده است.

از سوی دیگر علیف^{۳۹} (۲۰۰۷) در پژوهش خود معتقد است که همچون دیگر آثار ادبی حماسی، در کتاب دده قورقود، تکرار صداها، کلمات، اشکال و ساختارهای گرامری ریتمی را به وجود می‌آورد. به همین دلیل است که کتاب دده قورقود متن سختی برای ترجمه به زبان‌های دیگر است. حوزه‌های تحقیقاتی دیگر در مورد کتاب دده قورقود شامل شده‌اند بر: بررسی تاریخ سیاسی ترک‌ها با استفاده از اسامی ویژه‌ای از متن (تاکسوی^{۴۰}، ۲۰۰۸)؛ مطالعات جدید درباره اوغوزنامه‌های دده قورقود (دده قورقود اوغوزنامه‌لری) (دنیزر^{۴۱}، ۲۰۰۶)؛ تاکید بر قهرمانان اوغوز که اساسی‌ترین عنصر کتاب است (گایب‌انف^{۴۲}، ۲۰۰۸)؛

بررسی ابعاد روان‌شناختی داستان‌ها و شخصیت‌ها همچون داستان دلی دومرول (دوندار)^{۴۳}، ۲۰۰۱؛ ابعاد زیبایی‌شناختی زبان کتاب دده قورقود با تاکید بر تکرار به مثابه کیفیت سبک (اوستونووا)^{۴۴}، ۲۰۰۸؛ زندانی شدن فه‌رمانان، چگونگی رفتار با آنان در اسارت توسط دشمن، و انعکاس این رویدادها در زندگی اجتماعی (گایب‌اف)، ۲۰۰۸.

روش‌شناسی

در تحقیق حاضر از دو روش تحقیق کیفی بهره برده‌ایم: ۱- روش تاویل متون ادبی و هنری؛ ۲- روش تحلیل محتوای کیفی. تاویل متن، کوشش برای راهیابی به افق معنایی متن است (پالمر، ۱۳۸۴؛ احمدی، ۱۳۸۶)؛ به نظر گادامر^{۴۵} هر اثر کلاسیک ادبی برای زمانه‌ی ما پرسش‌هایی خاص مطرح می‌کند و پاسخ‌هایی دقیق به آن‌ها می‌دهد. انگار که یکسر برای این زمانه نوشته شده است (گادامر، ۲۰۰۴). بر اساس نظریه هرمنوتیکی هانس گئورگ گادامر حقیقت نه از راه روش، بلکه از راه دیالکتیک به دست می‌آید، دیالکتیک میان «افق خود شخص و افق سنت» (پالمر، ۱۳۸۴، صص ۱۸۲، ۱۷۹ و ۱۸۳). بر اساس هرمنوتیک دیالکتیکی گادامر، کار بر روی افق تاریخی یک متن همواره در بردارنده‌ی آمیختگی افق‌هاست، افق تاریخی نمی‌تواند توسط خودش معین گردد (گادامر، ۲۰۰۴، صص ۵۷۸-۵۷۹). گادامر رویداد دیالوژیکی فهم را به مثابه ذوب افق‌ها^{۴۶} در نظر می‌گیرد (دوستال، ۲۰۰۲، صص ۳ و ۱۳۶).

گادامر بر آن است که تجربه هرمنوتیکی در ماهیت خویش تجربه‌ای زبانی است (گادامر، ۲۰۰۴، صص ۴۴۰). زبان به عنوان «وسیله تجربه هرمنوتیکی»، «معین‌گر کنش هرمنوتیکی»، «وسیله‌ی «تجربه جهان» (همان منبع، صص ۳۹۷، ۳۸۵ و ۴۳۶)، امکان فهم متون و آثار گذشته را فراهم می‌آورد و این امر محصول «افق جهانی زبان»^{۴۷} است (همان منبع، صص ۴۴۳). لذا زیانمندی باعث می‌شود تا بتوان متون گذشته را ادراک کرد، چرا که خود متن نیز در افق زبانی قرار دارد. به زعم هواداران تاویل متن، آثار هنری عالی‌ترین صورت اظهارکنندگی را دارند؛ یعنی آن‌ها به بهترین وجه اظهارات معنی در خارج به شمار می‌روند. عالی‌ترین صورت تفهم در مبدل‌شدن به تبیین است و تبیین جنبه سترگی از اظهارکنندگی (زیانمندی) در آثار مکتوب (متن) و شفاهی (روایت و گفتار) را می‌رساند. اصیل‌ترین و ارزنده‌ترین نوشته‌ها و گفته‌های واجد معنی، ادبیات را پدید می‌آورند. ادبیات دنیای حکایت/روایت (داستان، اسطوره، افسانه) را می‌آفریند، جهان امکانات را و در نتیجه افقی از واقعیت را نیز

می‌گشاید (حریری اکبری، ۱۳۸۰، ص ۱۰۰). از این رو به نظر می‌رسد با تأویل، بیشتر و بهتر از هر شیوه‌ی دیگری می‌توان به بیرون کشیدن درونمایه این اثر پرداخت.

تحلیل محتوای کیفی، روشی است که با استفاده از رویکرد کیفی و با به کارگیری فنون مختلف، به تحلیل نظام‌مند متون می‌پردازد (اسپانگل و دیگران^{۴۸}، ۲۰۰۵؛ حریری، ۱۳۸۵، ص ۲۶۴). در تحلیل محتوای کیفی، متن به شیوه‌ای قاعده‌مند و گام به گام به واحدهای تحلیلی تقسیم می‌شود و با دنبال کردن سؤال پژوهش، مقوله‌ها بر اساس جنبه‌های نظری ویژه تکوین می‌یابند و از طریق حلقه‌های بازخورد و بازنگری‌های لازم، تطابق مقوله‌ها در رابطه با نظریه و شیوه‌های تحلیل، تضمین می‌شوند (میرینگ^{۴۹}، ۲۰۰۰). تحلیل محتوا برای توصیف محتوا و آزمون فرضیات مشتق از نظریه است (ریف و دیگران^{۵۰}، ۱۹۹۸، ص ۱۷). بنابر فرآیند پژوهش حاضر از دو شیوه تحلیل محتوای کیفی استفاده خواهیم کرد: ۱- تکوین قیاسی مقوله‌ها: در این شیوه بخش‌های مختلف متن تحت مقوله خاصی با توجه به چهارچوب نظری قرار گیرند. از این شیوه برای تشخیص مقولاتی از متن استفاده خواهیم کرد که در راستای معیارهای مطرح‌شده برای حکمرانی خوب، در چهارچوب نظری، قرار می‌گیرند. ۲- تکوین استقرایی مقوله‌ها: در این شیوه مقوله‌های جدیدی، با در نظر گرفتن ملاکی برای تعریف (تعریف ملاکی)، از خود متن پدید می‌آید، پروراند می‌شوند. از این شیوه در طرح رویکرد جدید مشتق از متن بهره خواهیم برد (میرینگ، ۲۰۰۰).

بنابراین در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تاویل در مرحله اول به کشف معنایی متن، در مرحله دوم به نزدیک کردن افق معنایی متن به افق معنایی پژوهشگر و در مرحله سوم با استفاده از روش تحلیل محتوا، به تشخیص مقوله‌های مفهومی متن پرداخته خواهد شد.

در این مقاله، سه متن از کتاب بررسی شده است: ۱- ترجمه‌ی فارسی از متن انگلیسی «جفری لوئیس»^{۵۱} با عنوان «کتاب دده قورقود»^{۵۲} که در سال ۱۹۷۴ از طرف مؤسسه‌ی انتشارات پنگوئن جزء آثار کلاسیک جهان چاپ و منتشر شد. ۲- متن ترکی «محرم ارگین»^{۵۳} با عنوان «دده قورقود کیتابی»^{۵۴} که در سال ۱۹۶۴ در آنکارا منتشر شده است که نگارنده از نسخه‌ی تجدید چاپ‌شده‌ی آن در سال ۲۰۰۳ استفاده کرده است. ۳- ترجمه‌ی فارسی بهزاد بهزادی از نسخ مختلف با عنوان «ددهم قورقوت: شاهکار ادبی و حماسی

ترکان اوغوز» که در سال ۱۳۸۱ در تهران منتشر شده است. در برگردان فارسی بسیاری از اصطلاحات و جملات ادبی از ترجمه فریبا عذبدفتری و محمد حریری اکبری از کتاب لوئیس بهره‌ی فراوانی گرفته شده است.

یافته‌ها

رویکردهای سه‌گانه

علاوه بر یک مقدمه، متن با ۱۲ داستان به شرح زیر است: «داستان اول: بوغاج‌خان پسر دیرسه‌خان، داستان دوم: یغمای خانمان سالورقازان، داستان سوم: بامسی به‌یهرک صاحب اسب خاکستری، داستان چهارم: اسارت اوروزبیگ پسر قازان بیگ، داستان پنجم: دلی‌دومرول پسر دوخاقوجا، داستان ششم: قانتورالی پسر قانلی‌قوجا، داستان هفتم: یغلق پسر قازلیق‌قوجا، داستان هشتم: کشتن باسات تپه‌گوز را، داستان نهم: عمران پسر بگیل، داستان دهم: سغرق پسر اوشون‌قوجا، داستان یازدهم: اسارت سالورقازان و رهایش او به دست پسرش، اوروز، داستان دوازدهم: یورش آوردن اوغوز درونی بر اوغوز بیرونی و کشته شدن به‌یهرک». در ادامه به تاویل و تحلیل محتوای متن بر اساس هر یک از رویکردهای سه‌گانه‌ی حکمرانی خوب خواهیم پرداخت.

رویکرد اول: رویکرد مدیریتی

- دانایی محوری در تدبیر امور عمومی

بنابر متن، ویژگی اصلی دده قورقود، دانایی اوست: «او داناترین شخص اوغوز بود» (ارگین، ۲۰۰۳، ص ۸؛ بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۲۳؛ لوتیس، ۱۳۷۹، ص ۲۳). در میان تمامی افراد اوغوز، او داناتر از همه است. اما دانایی او برای آن ارزشی والا و قابل ذکر در متن دارد که وی تدبیرکننده‌ی کارها در میان اوغوزهاست: «هیچ کاری بی‌تدبیر او انجام نمی‌گرفت» (ارگین، ۲۰۰۳، ص ۸؛ بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۲۳؛ لوتیس، ۱۳۷۹، ص ۲۳). اوغوزها تدبیر و نحوه‌ی انجام امور عمومی را به دست کسی سپرده‌اند که بالاترین قوه‌ی دانایی و دانش دارد. پس محور و اصل انتخاب افراد برای تدبیر امور، مشخصه‌ی دانایی است و نه ویژگی‌هایی مانند قدرت، ثروت، پایگاه اجتماعی و . . .، مسیر صعود افراد در سلسله مراتب اجتماعی توسط مؤلفه‌ای صورت می‌گیرد که بُعد ذهنی دارد: دانستن. از این‌رو تمامی افراد اجتماعی این فرصت را دارند

که به مرتبه‌ی فهم بالاتری از پدیده‌ها و رویدادها برسند و لذا مدیریت امور اجتماعی را به دست گیرند. این آگاهی از تجربه حاصل می‌شود: «قولجا قوپوز یوکسلتیب ائلدن ائله، بیدن بیه اوزان گزر» (ارگین، ۲۰۰۳، ص ۸)، «اوزان به همراه قوپوز دسته بلندش از سرزمینی به سرزمین دیگر می‌رود» (لوئیس، ۱۳۷۹، ص ۲۵). سرزمین در این‌جا به معنای قبایل مختلف اوغوز است. دده قورقود یا آشیق کسی است که به قبایل مختلف رفته و با شیوه‌ی زندگی و مسایل آن‌ها آشناست. تنها چنین شخصی می‌تواند در جهت از بین بردن موانع زیست بهتر چاره‌جویی کند.

– به‌کارگیری سیاست‌های تدبیرگر توسط اجراکنندگان (بیگ‌ها)

علاوه بر این که به دانایی همچون مشخصه‌ای برای تدبیرکننده نگاه می‌شود، افراد اجتماع التزام عملی نیز برای گفتار فرد تدبیرکننده، دده قورقود، قایل هستند و نسبت به آن حساسیت دارند: «هر نه کی بویورسا قبول ائدر دیلر، سؤزؤنؤ توتوب تامام ادردردی» (ارگین، ۲۰۰۳، ص ۸)، «هر چه می‌فرمود به کار بسته می‌شد» (بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۲۳؛ لوئیس، ۱۳۷۹، ص ۲۳). تنها در این شرایط است که تدبیرکننده می‌تواند مشکلات عینی اجتماع را برطرف سازد: «قورقود آتا اوغوز قومینین مؤشکؤلؤنؤ حل ائدرردی» (ارگین، ۲۰۰۳، ص ۸)، «قورقوت آتا مشکلات قوم اوغوز را حل می‌کرد» (سرداری‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۹۰؛ فیض‌الهی وحید، ۱۳۶۹، ص ۵).

– مردمی‌بودن تدبیرگر امور

اصالت دانش دده قورقود از آن‌جا ناشی می‌شود که او در واقع یک اوزان یا آشیق، اولین نوازنده ساز (قوپوز)، است (پسندی حکم‌آبادی، ۱۳۸۴). مهم‌ترین ویژگی آشیق این است که از میان ائل (مردم) برخاسته و سخن می‌گوید (فیض‌الهی وحید، ۱۳۶۹، ص ۴)؛ او به هیچ وجه به طبقات بالای اجتماعی و مراتب سیاسی وابستگی ندارد. چنین شخصی که از میان خود مردم برخاسته، صاحب دانش مردمی است و همین امر ارتباط نزدیک با بطن اجتماع و فرهنگ است که او را لایق و شایسته امر تدبیرگری می‌کند. در اثر همین صمیمیت آشیق‌ها و صداقت آنان به مردم و آمالشان، ضرب‌المثل‌هایی نظیر «آشیق پدر مردم است»، «آشیق هر جا مکان دارد»، «آشیق از آن ماست» و . . . به وجود آمده است (سرداری‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۸۹).

- شایسته‌سالاری برای انتخاب مقام بیگی (با معیارهای ذهنی و عینی) اعتقاد به تقدس دده قورقود باعث می‌شود که در چندین دستان کتاب، او نام‌دهنده بر چند شخصیت باشد: بوغاچ در دستان اول، بامسی به‌ی‌رک در دستان سوم و باسات در دستان هشتم. در واقع «نام‌دادن یکی از کارکردهای دده قورقود است» (جعفرلی، ۱۳۸۴، ص ۵۳؛ رئیس‌نیا، ۱۳۷۷، ص ۶۵). نام‌دادن در اساطیر به معنای «وجود و حیات اجتماعی بخشیدن» (سیدسلامت، ۱۳۸۶، ص ۷۳) است. در برخی از این مناسک‌گزار، دده قورقود علاوه بر نام‌گذاری، تاجی بر سر فرد می‌گذارد؛ به عنوان مثال در مورد بوغاچ در دستان اول. بنابراین دده قورقود قدرت اعطای مقام بیگی به افراد را نیز دارد؛ رئیسی که داناترین عضو اجتماع آن را برمی‌گزیند، بایستی با معیارهایی چون تعقل (استفاده از عقل توسط بوغاچ در نبرد با گاو سیاه وحشی) و توان جسمی (از پا انداختن چند حیوان وحشی) باشد. کسب چنین ویژگی‌هایی در ابتدای دستان دهم نیز به سغرق از سوی بیگ‌ها تذکر داده می‌شود (بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۳).

- تشکیل شورای مشورتی (شورای بیگ‌ها) اعضای اجتماع اوغوز خود را ملزم می‌دانند که در مواقع بحران و دشواری با دده قورقود مشورت کنند. در دستان هشتم چنین است که: «مردان اوغوز با درماندگی در شکست‌دادن تپه‌گوز نزد دده قورقود رفتند و با وی به مشورت نشستند» (لوتیس، ۱۳۷۹، ص ۱۷۳). البته بایستی گفت که منظور از اشاره به نجبای اوغوز در دستان‌های کتاب، عده‌ی قلیلی از نخبگان نیست، بلکه با توجه به قراین موجود، شمار بیش از حد آن‌ها، می‌توان گفت که این نجبا برابر با بخش بزرگی از اجتماع اوغوزها هستند: «بزرگان اوغوز که شمارشان از حد بیرون است» (لوتیس، ۱۳۷۹، ص ۴۸؛ بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۵۲ و ۷۰). «شمارش بیگ‌های اوغوز پایانی ندارد»، «۹۰۰ هزار جوان اوغوز در مجلس قازان گرد آمدند» (لوتیس، ۱۳۷۹، ص ۶۳ و ۱۰۱؛ بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۳). نشانه‌های بسیاری از وجود انجمن و مجلس مشورتی در میان اوغوزها وجود دارد: در ابتدای دستان نهم، بیگ‌های اوغوزهای درونی و بیرونی در انجمنی به ریاست بایندرخان هستند. نیز در همین دستان از «دیوان بایندرخان» سخن به میان می‌آید که بگیل، به عنوان حافظ مرزهای سرزمین اوغوز، سالی یک‌بار به آن‌جا

مراجعت می‌کند (بهرادی، ۱۳۸۱، صص ۱۹۷ و ۱۹۸). در دستان دهم سغرق برای رفتن به مبارزه به انجمن وارد می‌شود. در دستان دوازدهم، به تشکیل انجمنی از اوغوز درونی و اوغوز بیرونی (۲۴ قبیله) اشاره می‌شود و نیز از دیوان بایندر خان نیز ذکری به میان می‌آید (همان منبع، صص ۲۴۳، ۲۱۵ و ۲۵۱).

- اثربخشی مهم‌ترین اقدام نجبا؛ مبارزات نجبا برای رهانیدن مهم‌ترین عناصر سرزمین همه نجبای اوغوز بایستی کاری برای اجتماع خود انجام دهند. در دستان یازدهم کتاب، قازان خان از پسرش اوروز بیگ چنین انتقاد می‌کند: «به ۱۶ رسیده سن و سالت ولی از تو کسی کاری ندیده» (لوتیس، ۱۳۷۹، ص ۱۰۳). اما کاری که هر یک از نجبا بایستی انجام دهد، یکی از مهم‌ترین امور است. نجبا بایستی با دشمنانی که همواره سرزمین آن‌ها را به یغما می‌برند، مبارزه کنند و اسرای خویش را بازستانند. این اثربخشی در دستان‌های مختلف به نجات مهم‌ترین عناصر اوغوز به شرح زیر صورت می‌گیرد: در دستان دوم نجات اسرا توسط قازان خان، در دستان چهارم نجات اوروز توسط نجبا، در دستان ششم نجات سلجان خاتون توسط قانتورالی، در دستان هفتم نجات قازلیق قوجا توسط پسرش، در دستان هشتم نجات ایل اوغوز از دست تپه‌گوز توسط باسات، در دستان نهم نجات مرز ایل توسط عمران، در دستان دهم نجات اغرق توسط سغرق، در دستان یازدهم نجات قازان خان توسط اوروز.

نظارت بر عملکرد بیگ‌ها (نیروهای اجرایی). اقدامات بیگ‌ها توسط بایندر خان همواره نظارت و رسیدگی می‌شود. در دستان اول، چهل دلاور از روی حسادت به دیرسه خان هشدار می‌دهند که در مقابل اقدامات منافی با آداب اجتماعی پسرش (بوغاچ) بایندر خان بر او خشم خواهد گرفت (بهرادی، ۱۳۸۱، صص ۳۷-۳۸). در دستان نهم نیز بگیل به عنوان مرزدار سرزمین اوغوز بایستی گزارشی سالانه را به دیوان بایندر خان ارائه دهد.

- تاکید بر تعقل و خردمندی برای رئیس بیگ‌ها
از ویژگی‌های اساسی لازم برای رؤسای اوغوز، افزونی قوه‌ی عاقله است. دده قورقود در انتهای دستان اول در دعایی که برای خان‌خانان می‌خواند، بر افزونی عقل در کنار

افزونی سلامتی و دولت تاکید می‌کند: «حق تعالی سلامتی، عقل و دولت تو را افزون سازد» (بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۴۸)، «بایبندر خان حامی تمام اوغوز، قدرتمند، خردمند و نیکخواه است» (لوئیس، ۱۳۷۹، ص ۲۴۱). در دستان ششم قانئورالی بیان می‌دارد که «مردان بزرگ با عقل بر این جهان چیره گشته‌اند» و از عقل برای غلبه بر شرایط سخت مبارزه استفاده می‌کنند و حیوان وحشی را شکست می‌دهند (همان منبع، ص ۱۵۷). در دستان هشتم، باسات از علم سترگ بایبندر خان به تپه‌گۆز خیر می‌دهد: «خان ما که علم سترگ را حمل می‌کند، بایبندر خان» (همان، ص ۱۹۴).

- اهمیت وافر اوغوز برای نجبا

سرزمین و اعضای اوغوز برای حکمرانان آن یعنی بیگ‌ها اهمیت فراوانی دارد. در دستان دوم، سالورقازان چنان از نگرانی در مورد سلامتی ایل اوغوز برآشفته می‌شود که به تنهایی از اردوگاه شکار برای رسیدگی به مشکلات پیش آمده برمی‌گردد (لوئیس، ۱۳۷۹، صص ۵۰-۵۱). در دستان نهم نیز بگیل نگرانی خود را نسبت به سرزمین چنین ابراز می‌کند: «قازان بیگ، اگر نیایی، مملکت پریشان و خراب می‌شود» (بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۴).

- صداقت در سیاست

«بالان سۆز بو دؤنیادا اولونجا اولماسا داهای اییی» (ارگین، ۲۰۰۳، ص ۹)، «بهتر آن‌که هیچ دروغی در دنیا نباشد» (لوئیس، ۱۳۷۹، ص ۲۴؛ بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۲۵). حکمرانان نباید در فرآیند اداره‌ی جامعه دروغ بگویند. از منظر متن، زمانی حکمرانی خوب رخ خواهد داد که اداره‌کنندگان جامعه این اصل اخلاقی به نظر ساده را جدی بگیرند. بسیار قابل توجه است که در میان اوغوزها حتی خود دروغ ناشناخته است: «در بین نجبای اوغوز دروغ هنوز ناشناخته بود» (لوئیس، ۱۳۷۹، ص ۷۸؛ نرآذین، ۱۳۸۱). در میان جمع تصمیم‌گیرنده امور جاری جامعه اوغوز، دروغ‌گویی تا آن زمان به وقوع نپیوسته است و حکمرانان اوغوز به طور کلی با مفهوم و عملی با عنوان دروغ و دروغ‌گویی بیگانه‌اند. در دستان یازدهم نیز سالورقازان می‌گوید: «و هرگز جنگجوی لافزن را ارج نهادم» (لوئیس، ۱۳۷۹، ص ۲۱۲).

در جدول زیر تکوین قیاسی مقوله‌های حکمرانی خوب در رویکرد اول، رویکرد مدیریتی، همراه با معرف‌ها آمده است.

جدول شماره (۲): تکوین قیاسی مقوله در رویکرد اول

رویکرد	معرف‌ها	متن	توضیحات
رویکرد مدیریتی	داناتایی محوری در تدبیر امور عمومی	مقدمه	دده قورقود به عنوان داناترین اوغور در مقام تدبیر امور
	به کارگیری سیاست‌ها توسط اجراکنندگان (بیگ‌ها)	مقدمه	پیروی بیگ‌ها به عنوان نیروهای اجرایی از دده قورقود
	مردمی بودن تدبیرگر امور	مقدمه	دده قورقود به عنوان یک اوزان، هنرمند مردمی است و به قیابیل مختلف می‌رود
	شایسته‌سالاری برای انتخاب بیگی (با معیارهای ذهنی و عینی)	دستان اول	اعطای مقام بیگی به بوغاج به توصیه دده قورقود توسط دیرسه‌خان در اثر اثبات شایستگی
		دستان دهم	تاکید بر کسب مقام بیگی در اثر شایستگی‌ها به اغرق پسر اوشون‌قوجا
	تشکیل شورای مشورتی	دستان هشتم	شورا به ریاست بایندرخان و راهنمایی دده قورقود
		دستان نهم	انجمن و تشکیل جمع بیگ‌های اوغوزهای درونی و بیرونی
		دستان دهم	اشاره به واردشدن سترق به انجمن
		دستان دوازدهم	اشاره به تشکیل انجمنی با حضور اوغوز درونی و اوغوز بیرونی (۴۴قبیله)
	اثربخشی مهم‌ترین اقدام نجیا	دستان دوم	نجات اسرا توسط سالورقازان
		دستان چهارم	نجات اوروز توسط نجیا
		دستان ششم	نجات سلجان خاتون توسط قانتورالی
		دستان هفتم	نجات قازلیق قوجا توسط یغنیق
		دستان هشتم	نجات ایل اوغوز از دست تپه‌گوز توسط باسات
		دستان نهم	نجات مرز ایل توسط عمران پسر بگیل
		دستان دهم	نجات اغرق توسط سترق برادر وی
	نظارت بر عملکرد بیگ‌ها (نیروهای اجرایی)	دستان اول	هددار چهل دلاور به دیرسه‌خان در مورد نظارت بایندرخان بر بوغاج
		دستان نهم	گزارش سالانه مرزدار اوغوز به «دیوان بایندرخان»
	تاکید بر تعقل برای رئیس بیگ‌ها	دستان اول	خواستن فزونی عقل برای بایندرخان، خان خانان توسط دده قورقود
		دستان ششم	متوسل شدن قانتورالی به عقل برای رویارویی با شرایط سخت مبارزه
		دستان هفتم	تاکید یغنیق بر حفظ دانسته‌ها در عقل، در خطاب به دایی اش
		دستان هشتم	بیان داشتن باسات از علم سترگ بایندرخان
		دستان دوم	تنها برگشتن سالورقازان از اردوگاه شکار به سوی اوغوز در پی تکرانی از وضعیت جامعه
	اهمیت وافر سرزمین برای نجیا	دستان نهم	ابراز تکرانی بگیل به قازان بیگ نسبت به پریشانی مملکت
مقدمه		از زیان دده قورقود	
صداقت در سیاست	دستان یازدهم	از زیان سالورقازان	

رویکرد دوم: رویکرد اقتصادی

- توزیع مجدد ثروت جامعه

مهمانی بایندرخان، به عنوان خان خانان، که سالانه برگزار می‌شود و در آن اجازه داده می‌شود تا هر کسی هر چه می‌خواهد از دارایی‌های وی برای خود برگیرد، نمادی از تشکیل اجتماع و مراسمی است که در آن افراد اجتماع می‌توانند نظم پیشین را بگسلند و

نظم جدید را بر جای آن بنشانند. بایبندرخان، «خان خانان»، «خان بزرگ ایل»، «سرکرده بیگها و ستون سرزمین ترک» (لوتیس، ۱۳۷۹، صص ۱۱۰، ۱۷۰ و ۱۶۲) قازان دست اعضای خانواده‌اش را گرفته از چادر خویش بیرون می‌روند و بعد از بیگها دعوت می‌کند که به تاراج چادرش بپردازند (همان منبع، صص ۲۴۲) است. بنابراین این مراسم به مثابه نوعی نظام توزیع مجدد ثروت ایفای نقش می‌کند. نظامی که حق تمامی اعضای اجتماع را برای بهره‌گیری از دارایی‌های سرزمین محترم و مساوی می‌شمارد و لذا هیچکس در این سیستم محروم از امکانات مادی نیست. داشتن آزادی افراد برای رسیدن به اهداف، تنها شرط لازم است، اما شرط کافی آن داشتن فرصت‌ها و امکانات لازم برای چنین هدفی است. به این تقسیم ثروت به طور ویژه در دستان دوازدهم بین اوغوز درونی و اوغوز بیرونی اشاره شده است (بیزادی، ۱۳۸۱، صص ۲۴۳-۲۴۴). در دیگر اسطوره مردمی یعنی کوراوغلو نیز در چنلی‌بئل، محل اسکان کوراوغلو، همه برابرند (کریمی، ۱۳۸۷، صص ۱۳).

- از بین بردن فقر و حمایت از فقرا

نجبا و رؤسای اوغوز همواره بر مبارزه با فقر در مراحل مختلف زندگی اجتماعی تأکید می‌ورزند. در دستان اول، همسر دیرسه‌خان به وی برای استجابت دعا، پیشنهاد می‌کند که «اگر گرسنه دیدی سیرش کن، اگر برهنه دیدی بپوشان، بدهکار را از وام برهان». دیرسه‌خان نیز به همراه همسرش چنین می‌کند (بیزادی، ۱۳۸۱، صص ۳۴-۴۱). قازان امید فقرا و حامی دلاوران به هنگام گرفتاری است (لوتیس، ۱۳۷۹، صص ۲۴۲). در دستان‌های دوم و سوم از سالورقازان، داماد بایبندرخان، به عنوان «امید مسکین‌های بیچاره» و «پشتیبان دلاوران درمانده» یاد می‌شود (بیزادی، ۵۱، ۱۳۸۱ و ۱۰۳). در دستان چهارم، همسر قازان خان خطاب به او می‌گوید «اگر گرسنه‌ای دیدم، سیرش کردم؛ اگر برهنه‌ای دیدم، لباس پوشاندم» (همان منبع، صص ۱۲۴). و به همین سیاق دلی‌دمرول در دستان پنجم اظهار می‌دارد که به فقرا کمک کند. در ابتدای دستان دهم، شرط کسب مقام در نظام سیاسی بایبندرخان، حمایت از فقرا و کمک به آنها عنوان می‌شود (همان منبع، صص ۲۱۳).

جدول زیر تکوین قیاسی مقوله‌های حکمرانی خوب را در رویکرد دوم، رویکرد اقتصادی، همراه با معرف‌ها نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳): تکوین قیاسی مقوله‌ها در رویکرد دوم

رویکرد	معرف‌ها	متن	توضیحات
رویکرد اقتصادی	توزیع مجدد ثروت جامعه	دستان اول	توسط بایندر خان فرزند قام خان به بیگ‌ها در مقام اجتماع بزرگ
		دستان دوازدهم	توزیع ثروت در میان اوغوز درونی و بیرونی توسط بایندر خان
	از بین بردن فقر	دستان اول	به توصیه همسر دیرسه خان و اقدام از سوی وی
	حمایت از فقرا و درماندگان	دستان‌های دوم، سوم	سالورقازان، داماد بایندر خان، امید فقرا و حامی درماندگان است
		دستان چهارم	همسر سالورقازان به فقرا کمک می‌کند
		دستان پنجم	دلی دومرول می‌خواهد که به فقرا کمک کند
دستان دهم		شرط کسب مقام حمایت از فقرا عنوان می‌شود	

رویکرد سوم: رویکرد سیاسی - حقوقی

در دستان‌ها به حقوق اعضای جامعه خصوصاً اقشاری چون زنان و افراد عادی توجه ویژه‌ای شده است (گوتیلی، ۱۳۸۵، ص ۴۰)، چنان‌که لایه‌های مختلف اجتماع در سرنوشت آن نقش مهمی دارند.

- شأن والای زنان و ایفای نقش زنان در جامعه

زنان در جامعه اوغوز جایگاهی والا دارند (راشدی، ۱۳۸۷؛ لوتیس، ۱۳۷۹) و همواره از سوی بیگ‌ها به نیکی و احترام فراوان یاد می‌شوند. این امر در دستان اول در سخنان دیرسه خان به همسرش، در دستان دوم، در سخنان اوروز به بورلاخاتون، در دستان چهارم در سخنان سالورقازان به همسرش، در دستان پنجم در سخنان دلی دومرول و در دستان دهم در سخنان سغرق به همسرشان پدیدار می‌شود. همسر دیرسه خان در دستان اول آمادگی خود را برای مبارزه با دشمنان جهت رهانیدن فرزند اعلام می‌کند و به رزم می‌رود. در دستان چهارم، بورلاخاتون همسر سالورقازان برای نجات اوروز بیگ به مبارزه می‌رود. بگیل در دستان نهم، بر عقل و سخن همسرش صحنه می‌گذارد و پیشنهاد او را مبنی بر شکار می‌پذیرد (بهزادی، ۱۳۸۱، صص ۱۳۳، ۴۲، ۴۱ و ۲۰۰).

- انتقاد از حاکمان

انتقاد و طرح عقیده‌ی آزاد در چندین دستان متن مورد اشاره و تاکید قرار می‌گیرد. در دستان چهارم اوروز درباره تربیت فرزند به پدرش تذکر داده و از او انتقاد می‌کند: «تپه قدر بؤیؤمؤشسؤن داری قدر بینین یوک» (ارگین، ۲۰۰۸، ص ۶۰)، «تن به سان تپه، اما مغز چون یک دانه ارزن» (لوتیس، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴؛ بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۵). قازان خان در پاسخ دست‌ها را بر هم

زده و می‌خندد: «آبی لر اوروز گؤزل سؤیلدی، شه کر یدی» (ارگین، ۲۰۰۳، ص ۶۱)، «نجبا! اوروز راست می‌گوید و به جا» (لوتیس، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴). در داستان دوم، قاراجیق چوبان به عنوان یک چوپان و فردی عادی، بر سالورقازان نهیب می‌زند که چرا هنگام یغمای دشمنان حضور نداشته است (بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۵۹). متن، فضای بسیار گسترده و بازی در انتقاد از حکمرانان را معرفی می‌کند. در برخی از اسامی قهرمانان کتاب دده قورقود، پیشوند ذلی به معنای دیوانه همچون در ذلی دومرول، وجود دارد. دیوانه بودن در اسطوره کوراوغلو و نیز کتاب دده قورقود به معنای مثبت آن است: جوانمردی، جسارت، فعال بودن، دلیری (آتار، ۱۳۸۱، ص ۲۷؛ بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۸۳ و ۱۳۶). حتی خود واژه اوغوز نیز در اصطلاحاتی چون «فیلانکس چوخ اوغوز آدام دیر» (آتار، ۱۳۸۱، ص ۱۴) و «بوزاوغلان» (بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۷۶) به معنای دلاوری و جسارت است.

- ایفای نقش افراد عادی جامعه

اگرچه که اغلب مطالب متن اختصاص به قهرمانان اوغوزها دارد ولی افرادی عادی جامعه نیز فراموش نشده و به نقش آن‌ها نیز اشاره می‌گردد. البته بایستی تاکید کرد که فرآیندی از تبدیل افراد عادی به بیگ‌ها نیز مکرراً در داستان‌ها به میان می‌آید، لذا قهرمانان نیز در ابتدا در زمره‌ی افراد عادی بوده‌اند. با این وجود یکی از شخصیت‌های متن به عنوان نمادی از افرادی عادی به شمار می‌آید. قاراجیق چوبان در داستان دوم به هنگام حمله نیروهای دشمن، آن‌ها را شکست داده و بخشی از دارایی‌های اوغوز (گوسفندان) را حفظ می‌کند (بهزادی، ۱۳۸۱، ص ۵۴-۵۵).

- تدبیرگر امور (سخنگوی مردمی)

با توجه به متن، تدبیرگر امور یعنی دده قورقود نماینده و سخنگوی مردم است. چراکه آشیق چنین نقش نمایندگی و سخنگویی اجتماع را بر عهده دارد (فیض‌اللهی، ۱۳۶۹، ص ۴). به همین دلیل است که به همراه سازش در میان طوایف و قبایل مختلف می‌گردد.

جدول شماره (۴): تکوین قیاسی مقوله‌های حکمرانی خوب در رویکرد سوم

رویکرد	معرف‌ها	متن	توضیحات
رویکرد سیاسی - حقوقی	شان والای زنان	دستان اول	در سخنان دیرسه‌خان به همسرش
		دستان دوم	در سخنان اوروز به مادرش، بورلاخاتون
		دستان چهارم	در سخنان سالورقازان به همسرش
		دستان پنجم	در سخنان دلی‌دومرول به همسرش نسبت به آزادی عمل او
	ایفای نقش زنان در جامعه	دستان دهم	در سخنان سغوق به همسرش نسبت به آزادی عمل او
		دستان اول	به مبارزه رفتن همسر دیرسه‌خان
		دستان چهارم	مبارزه بورلاخاتون برای رهایی اوروزبگ و از بین بردن یکی از سرکرده‌ها
		دستان ششم	مبارزه سلجان‌خاتون با مهاجمان به قانئورالی
	انتقاد از حاکمان	دستان نهم	توجه بگیل به سخن عاقلانه همسرش
		دستان دوم	اعتراضی قاراجیق چویان نسبت به عدم حضور سالورقازان در هنگام حمله به اوغوز
		دستان چهارم	انتقاد اوروز از سالورقازان در شیوهی تربیت فرزند
		دستان دوم	نجات‌بخشی از داریایی‌های اوغوز توسط قاراجیق چویان
	تدبیرگر امور (سختگوی مردمی)	مقدمه	اوزان یا دده قورقود در میان طوایف مختلف می‌گردد

به سوی رویکردی جدید (رویکرد اخلاقی)

علاوه بر وجود رگه‌ها و اشاراتی به مواردی که می‌توان آن‌ها را در قالب رویکردهای سه‌گانه حکمرانی خوب قرار داد، موضوعاتی در متن مطرح می‌گردد که ما را به سوی رویکرد دیگری سوق می‌دهد که در رویکردهای اصلی حکمرانی خوب به آن توجهی نشده‌است: رویکرد اخلاقی.

- ایثار و اسارت

نجبای اوغوز به هر تعدادی که هستند در اولین مرتبه از خصوصیات اخلاقی برخوردارند. آن‌ها در مواقع جنگ، بایستی ابتدا فرزند خود را به مبارزه بفرستند نه دیگران را. در دستان نهم بگیل چنین اعتقاد دارد: «قبل از آن‌که مردم رنج ببرند، بهتر است پسر [عمران] روانه میدان جنگ شود» (لویس، ۱۳۷۹، صص ۱۹۰-۱۹۱). اگر هم فرض را بر این بگیریم که عده‌ی قلیلی به عنوان نخبگان قوم در جایگاه نجبا حکمرانان اوغوز هستند، نجبا، حفظ جان مردم تحت فرمان‌شان را از حفظ جان خود و نزدیکان خود مهم‌تر می‌دانند. از اعتقادات نجبای قوم است که در زیر حکمرانی آن‌ها، کسی از جامعه رنجی نبیند و متحمل زبانی نشود و اگر جامعه دچار هر نوع بحران شد، مردم نباید سپر بلای حاکمان باشند؛ بلکه برعکس، حاکمان هستند که جامعه را بر خویش مقدم فرض می‌گیرند و به میدان نبرد می‌روند. در تمامی دستان‌ها، ابتدا نجبای مورد اشاره است که لباس رزم پوشیده و به صحنه جنگ روانه می‌شود: «نجیب‌زادگان دلاور و قهرمان در میدان نبرد اسب‌ها تاختند»

(همان منبع، ص ۱۰۸). به عنوان مثال ایثارکنندگان در دستان دوم سالورقازان و قاراجیق چوبان، در دستان سوم بامسی به یه‌رک، در دستان ششم قانتورالی و در دستان هشتم باسات، هستند.

حتی بایستی گفت که اغلب همین قهرمانان هستند که به اسارت می‌روند؛ برای رهایی اسرا نیز نزدیکان و خویشان درجه اول می‌آیند و مبارزه می‌کنند (گایب‌اف، ۲۰۰۸، ص ۱۳۵). سپس بعد از نجبا دیگر جنگجویان نیز وارد میدان می‌شوند. در چند دستان، دشمنان به سرکردگی ملک شوکلی و قاراتوکور (به معنای کسی که تاریکی می‌ریزد)، شب‌هنگام و در تاریکی به ایل اوغوز حمله کرده و غارت می‌کنند. از مهم‌ترین چیزهایی که به اسارت می‌رود زنان و خیمه‌هایی هستند که با توجه به توصیفات‌شان نماد خورشید می‌باشند: همچون در دستان دوم، بورلاخاتون و خیمه‌های قبه‌زین (سیدسلامت، ۱۳۸۶، صص ۱۹-۹۲). اسیران اوغوز در دستان‌ها به شرح زیرند: اوروزخان، بورلاخاتون و مادر سالورقازان در دستان دوم، بامسی به یه‌رک و نه دلاور در دستان سوم، قازلیق‌قوجا در دستان هفتم، اغرق در دستان دهم و قازان‌خان در دستان یازدهم.

- خودستایی نکردن

«کیبیرلیلیق ایله‌ینی تانری سومز» (ارگین، ۲۰۰۸، ص ۸). در امر سیاست خود را ستودن مذموم شمرده می‌شود. در دستان یازدهم نیز قازان‌خان به همین مورد با عنوان «مردان فخر فروش» اشاره کرده و آن‌ها را ستایش نمی‌کند (بهنزادی، ۱۳۸۱، صص ۲۳۳، ۲۳۲ و ۲۳۴).

- ظاهرسازی نکردن

دده قورقود در مقدمه کتاب معتقد است که «خیدمت چیه البیسه گیدیرسن خانیم اولماز» (همان منبع)، «لباس قیمتی و فاخر، کنیز را خاتون نگرداند» (لوتئیس، ۱۳۷۹، ص ۲۳؛ بهنزادی، ۱۳۸۱، ص ۲۴).

- سپردن امور به شخصیت‌های سالم

«بہتر آن باشد کہ شمشیر برآن بہ دست دون و فرومایہ نیفتد» (همان منبع، ۲۴: بہزادی، ۱۳۸۱، ص ۲۴). از آن جایی کہ در حوزہی حکمرانی و سیاست، اختیارات و امکانات بسیاری بہ دست می آید، شخصیت و ویژگی‌های روانی حکمرانان مہم‌تر جلوه می کند.

- سیاست دفاع در برابر سیاست حملہ

«اگر شمشیر فولادین سیاه از نیام برنکشید، دشمن عقب نمی نشیند» (لویس، ۱۳۷۹، ص ۲۴: بہزادی، ۱۳۸۱، ص ۲۴). رویدادهای دستان‌ها نشان می دهد کہ ہموارہ سرزمین اوغوز مورد حملہ و غارت واقع می شود. اوغوزها ہیچ گاہ آغازگر جنگ نیستند و دشمنان تنها در شب می توانند بہ قوم اوغوز یورش ببرند. لذا اوغوزها مجبور می شوند کہ برای بازپس گیری اسرای جنگی خود با تہاجم کننده مبارزہ کنند. اگرچہ کہ «از ۱۲ دستان، ۱۰ دستان روایت یک مبارزہ است» (گایب/ف، ۲۰۰۸، ص ۱۳۲) اما، با رویکرد خاصی کہ ذکر شد، جہان بدون جدال و خصم جویی، آرمانی است کہ کتاب ددہ قورقود بہ دنبال آن است و از آن حمایت می کند.

دیگر خصوصیات اخلاقی در قالب تکوین استقرایی مقولہ‌های رویکرد اخلاقی با معیار تعریفی کنش اخلاقی در جدول زیر آمده است.

جدول شماره (۵): تکوین استقرایی مقوله‌ها با ملاک تعریفی کنش اخلاقی از متن مورد مطالعه

توضیحات	متن	معرف‌ها	رویکرد
سالمورقازان به همراه قاراجیق چوبان و دیگر بیگ‌ها برای رهایی اوروژ	دستان دوم	ایثار	رویکرد اخلاقی در میان حکمرانان (نجبا)
بامسی به‌یرک و دیگر بیگ‌ها برای نجات چهل دلاور	دستان سوم		
قانونرالی و مبارزه با سه حیوان وحشی برای نجات سلجان‌خاتون	دستان ششم		
باسات در مبارزه با تپه‌گوز	دستان هشتم	به اسارت رفتن	
اوروزخان، بورلاخاتون، مادر سالمورقازان	دستان دوم		
بامسی به‌یرک و ۹ دلاور (۱۶ سال)	دستان سوم		
اوروزبیگ	دستان چهارم		
قازلیق‌قوجا	دستان هفتم	دستان دهم	
اغریق پسر اوشون‌قوجا	دستان دهم		
قازان‌خان	دستان یازدهم	خودستایی نکردن	
از زبان دده قورقود	مقدمه		
از زبان سلجان‌خاتون	دستان ششم		
از زبان قازان‌خان	دستان یازدهم		
از زبان دده قورقود	مقدمه	ظاهر سازی نکردن	
از زبان دده قورقود	مقدمه	سپردن امور به شخصیت‌های سالم	
مبارزه در اثر اسارت دیرسه‌خان	دستان اول	سیاست دفاع	
مبارزه در اثر به اسارت رفتن سالمورقازان و بورلاخاتون	دستان دوم		
مبارزه در اثر به اسارت رفتن بامسی به‌یرک	دستان سوم		
مبارزه در اثر به اسارت رفتن اوروزبیگ	دستان چهارم		
مبارزه در اثر به اسارت رفتن قانلی‌قوجا	دستان هفتم		
هجوم بر ایل اوغوز	دستان هشتم		
حمله بر مرزدار سرزمین اوغوز، بگیل	دستان نهم		
هجوم بر اغریق	دستان دهم		
حمله بر قازان‌خان و دلاوران او	دستان یازدهم		
بخشش عمل نادرست دیرسه‌خان که در اثر نا آگاهی رخ داده توسط بوغاج به توصیه مادر	دستان یکم	گذشت و بخشش بر عمل نادرست نا آگاهانه	
هجوم نبرد بر فراریان و امان‌خواهان توسط سالمورقازان	دستان دوم	جوانمردی در جنگ	
هجوم نبرد بر فراریان و امان‌خواهان توسط سلجان‌خاتون	دستان ششم		
خطاب دده قورقود به بیگ‌ها خصوصاً بایندرخان	دستان‌های یکم، دوم، چهارم، ششم، یازدهم و دوازدهم	یادآوری فانی بودن دنیا	
دعای بیگ‌ها برای فرزندآوری دیرسه‌خان	دستان اول	خیرخواهی	
دعای بیگ‌ها برای فرزندآوری بی‌بوره	دستان سوم		

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با نزدیک کردن افق معنایی امروزمین به افق معنایی متن مورد مطالعه، رگه‌ها و آثاری از حکمرانی خوب آشکار شد. با تحلیل محتوا و تکوین قیاسی مقوله‌ها بر اساس رویکردهای سه‌گانه حکمرانی خوب، این ویژگی‌ها با معرف‌هایی تشخیص داده شد. در مورد هر سه رویکرد مدیریتی، اقتصادی و سیاسی - حقوقی، ویژگی‌هایی در متن مورد مطالعه شناسایی شد که در حیطه خود متن به آن‌ها پاسخ داده است و معرف‌هایی ارائه می‌داد. معرف‌های رویکردهای سه‌گانه طرح شده از متن لزوماً هم‌نوایی کاملی با معرف‌هایی که در

چهارچوب نظری طرح شد، ندارد ولی می‌توان گفت که در فضای کلی هر یک از سه رویکرد قرار می‌گیرد.

با تکوین استقرایی مقوله‌ها، متن مورد مطالعه رویکرد جدیدی معرفی کرد. رویکرد اخلاقی مشتق از متن، در رویکردهای اصلی حکمرانی خوب بحث نشده است و جایگاهی نیز ندارد. اما بنا به متن، و از نظر نگارنده، این بُعد اخلاقی حکمرانی می‌تواند ابعاد دیگر مدیریتی، اقتصادی و سیاسی - حقوقی را تکمیل کند و علاوه بر آن ضامنی برای ارتقای ابعاد دیگر باشد. خاص‌گرایی ویژه متن به سوی سامان‌دادن ابعاد و رویکردهای سه‌گانه حکمرانی خوب بر حول بُعد اخلاقی می‌رود. اداره‌کنندگان جامعه فراتر از داشتن سنن و قواعد اجتماعی‌بی که هر یک معرف ابعاد از حکمرانی خوب است، بایستی اصول اخلاقی‌بی نیز داشته باشند تا ضمانت اجرای آن‌ها باشد. بدین ترتیب است که در کنار قوانین و رویه‌های مطلوب اجتماعی حضور و وجود مجریان ملتزم به آن‌ها به لحاظ اخلاقی ضروری می‌نماید؛ در غیر این صورت حتی تدوین چهارچوب‌های مطلوب اداره‌ی امور عمومی، بدون چنین مجریانی، نمی‌تواند قرین به موفقیت باشد.

با توجه به بخش یافته‌ها، می‌توان مقایسه‌ای در خصوص کیفیت توجه به حکمرانی خوب در متن و نیز رویکردهای سه‌گانه مطرح در نظریه‌های حکمرانی خوب انجام داد. جدول زیر مقوله‌های قیاسی و استقرایی حاصل از تحلیل محتوای کیفی را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۶): مقایسه رویکردهای حکمرانی خوب با رویکردهای متن مورد مطالعه

معرف‌های نظری	معرف‌های موجود در متن	رویکردها	
		استقرایی	قیاسی
اثربخشی شفافیت مبارزه با فساد حاکمیت قانون ثبات	اثربخشی مهم‌ترین اقدام نجبا صداقت در سیاست - رویه‌های مشخص بیگی همبستگی مردمی با نجبا	-	مدیریتی
تقلیل فقر	توزیع مجدد ثروت حمایت از فقرا	-	اقتصادی
امنیت شهروندان حق اظهار نظر انتخابات آزاد نظام سیاسی چندحزبی جایگاه و حقوق زنان	حمایت و حفاظت شدید نجبا از مردم انتقاد از حکمرانان - شان بالا و نقش اجتماعی زنان	-	سیاسی - حقوقی
-	ایثار خودستایی نکردن ظاهر سازی نکردن سپردن امور به شخصیت‌های سالم سیاست دفاع جوانمردی در جنگ ... و	اخلاقی	-

چنان که ملاحظه می‌گردد، در رویکرد اول بیشتر، و نه همه، معرف‌های رویکرد مدیریتی، اشاراتی را در متن مورد مطالعه به خود اختصاص داده‌اند همچون اثربخشی مهم‌ترین اقدام نجبا (حکمرانان)، صداقت در سیاست، رویه‌های مشخص انتخاب برای حکمرانی و همبستگی مردمی با نجبا. رویکرد دوم که رویکردی اقتصادی است به طور کامل در متن تاکید شده است؛ چرا که در چندین دستان بر لزوم حمایت از فقرا و از بین بردن فقر اشاره گشته است و از تقسیم ثروت جامعه به طور سالانه سخن به میان می‌آید. رویکرد سیاسی - حقوقی در مقایسه با دو رویکرد مدیریتی و اقتصادی، نشانه‌های کمتری را در متن به خود اختصاص می‌دهد؛ با این همه مواردی چون اهمیت حمایت و حفاظت از مردم سرزمین برای حکمرانان، حق انتقاد از حکمرانان و شأن بالا و نقش اجتماعی زنان قابل ذکر است.

بنابراین در پاسخ به مسأله‌ی اصلی پژوهش، بایستی گفت که تحلیل محتوای کیفی متن نشان می‌دهد که در متن مورد مطالعه رگه‌ها و نشانه‌هایی از سه رویکرد اصلی حکمرانی خوب وجود دارد؛ اگرچه موارد موجود در متن به طور کامل و دقیقی با معرف‌های رویکردهای سه‌گانه نظری همپوشانی ندارد.

زیرنویس‌ها

- | | | |
|---|------------------------------|------------------------------------|
| 1- Good Governance (GG) | 2- Neumayer | 3- Nanda |
| 4- Demmers et al | 5- Deng & Lyons | 6- Hatchard et al |
| 7- Thakur & Wiggen | 8- Woods | 9- Official Development Assistance |
| 10- Zanger | 11- Onyejekwe | |
| 12- United Nations Development Program (UNDP) | 13- Tarling et al | |
| 14- World Bank Institute (WBI) | 15- Voice and Accountability | 16- Political Stability |
| 17- Governance Effectiveness | 18- Rule of Law | 19- Control of Corruption |
| 20- Cuervo-Cazurra & Aguilera | 21- Nathan & Apu | 22- Rosa |
| 23- Langlands | 24- Wagener | 25- Abdellatif |
| 26- Dbiel & Terlinden | 27- Guttal | 28- Dede Korkut |
| 29- folk epics | 30- Wilks | 31- Ozan |
| 32- Ashiq | 33- Kopuz | 34- Farr |
| 35- Bulduk | 36- dresden | 37- Heinrich Friedrich Von diets |
| 38- Sheridan | 39- Aliev | 40- Toksoy |
| 41- Denizer | 42- Gayibov | 43- Dündar |
| 44- Üstünova | 45- Gadamer | 46- fusion of horizons |
| 47- world-horizon of language | 48- Spannagel et al | 49- Mayring |
| 50- Riffe et al | 51- Geoffrey Lewis | 52- The Book of Dede Korkut |
| 53- Muharram Ergin | 54- Dede Korkut Kitabi | |

منابع

- ۱- آنا، دده قورقود، ترجمه، تدوین و شرح: عزیز محسنی، تیریز: انتشارات تابان، ۱۳۸۱.
- ۲- اوزدک، رفیق، تورکون قیزیل کینایی (تورکلرین کامیل تاریخی)، ترجمه: حسن پورگل محمد و دیگری، تیریز: اختر، جلد دوم، ۱۳۸۰.
- ۳- احمدی، بابک، ساختار و تأویل متن، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۶.
- ۴- بالمر، ریچارد، علم هرمنوتیک، ترجمه: محمد سعید حنائی کاشانی، تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۴.
- ۵- پسندی حکم آبادی، محمد، قویوز، ساز آفرینش، تیریز: مؤلف، ۱۳۸۴.
- ۶- جعفرلی، محرم، داستان و میف، ترجمه: احد آتش، تیریز: نشر اختر، ۱۳۸۴.
- ۷- جایی، صمد، تگاهی به واژه‌های اساطیری آذربایجان، تیریز: نشر اختر، ۱۳۸۶.
- ۸- حریری، اکبری، محمد، هرمنوتیک سهندیه، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، بهار و تابستان، ۱۳۸۰.
- ۹- حریری، نجلا، اصول و روش‌های پژوهش کیفی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۵.
- ۱۰- داشقین (حسین زاده)، علی، فرهنگ ترکی - فارسی، تیریز: اختر، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- ۱۱- رئیس‌نیا، رحیم، کوراوغلو در افسانه و تاریخ، تهران: دنیا، ۱۳۷۷.
- ۱۲- راشدی، حسن، ترکان و بررسی تاریخ، زبان و هویت آن‌ها در ایران، تهران: اندیشه نو، ۱۳۸۷.
- ۱۳- رسولزاده، میکائیل، افسانه‌های بزقوش: با مختصری در مردم‌شناسی ادبیات فولکلوریک مردم ایران و آذربایجان، تهران: انتشارات پینار، ۱۳۸۷.
- ۱۴- سرداری‌نیا، صمد، سیری در تاریخ آذربایجان، تیریز: نشر اختر، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
- ۱۵- سومر، فاروق، اوغوزها (ترکمن‌ها)، ترجمه: آنا ددری، عصری، گنبد قابوس: انتشارات طلایی، ۱۳۸۰.
- ۱۶- سید سلامت، میرعلی، مقدمه‌ای بر بررسی کتاب دده قورقود، تیریز: انتشارات آشیبا، ۱۳۸۶.
- ۱۷- سید اوف، میرعلی، آذربایجان سوی کونو دوشونرکن، ترجمه: رحیم شاوللی، تیریز: اختر، ۱۳۸۴.
- ۱۸- فاطمی‌نیا، سیاوش، فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۳۸۶.
- ۱۹- فضل‌الله، رشیدالدین، اوغوزنامه، ترجمه: ز. م. شوکوراوا، تیریز: انتشارات انلدار، ۱۳۸۴.
- ۲۰- فیض‌اللهی، وحید، حسین، معاصر آذربایجان عاشق‌لاری، تیریز: انتشارات یاران، ۱۳۶۹.
- ۲۱- قره‌چورلوبولوت، دده‌مین کتایی (سازیمین سوزو، قارداش آندی، دده‌مین کتایی)، تیریز: نشر اختر، ۱۳۸۲.
- ۲۲- قره‌چورلوبولوت، دده‌مین کتایی (سازیمین سوزو، قارداش آندی، دده‌مین کتایی)، تهران: اندیشه نو، ۱۳۸۶.
- ۲۳- کاشغری، محمودین حسین، دیوان‌اللفات التترک، ترجمه: حسین محمدزاده صدیق، تیریز: نشر اختر، ۱۳۸۳.
- ۲۴- کریمی، محمد رضا، کوراوغلو حماسه‌سی، تهران: نشر اندیشه نو، ۱۳۸۷.
- ۲۵- گونئیلی، حسین، دده قورقود کتاییبندا نهر موقتس ساییلیر؟، تهران: ماهنامه علمی - تحقیقی دیلماج، شماره ۲۵ تا ۲۷، ۱۳۸۵.
- ۲۶- لوتیس، جفری، کتاب دده قورقود، ترجمه: فریبا عزدبقری و دیگری، تهران: نشر قطره، ۱۳۷۹.
- ۲۷- هادی، اسماعیل، لغتنامه جامع اتیمولوژیک ترکی - فارسی دیل دنیز، تیریز: نشر اختر، ۱۳۸۶.
- 28- Abdellatif, Adel M. Good Governance and Its Relationship to Democracy and Economic Development, Seoul, United Nations Development Programme (UNDP). 2003.
- 29- Aliev, Seyran Paul Mirabile'in "Dede Korkut Kitabı"nın İngilizce Çevirisinin Lingvo-poetik Özellikleri, Cev. Figen Karaboga, in, Milli Folklor, No. 79, p: 48-54. 2007.
- 30- Bulduk, Ucler Dede Korkut, Oguz Elleri ve Kafkazlar, Kars Kafkas Üniversitesi Rektörlüğün akademik danışmanlığında düzenlenen 1. Milli Kafkasya Sempozyumu'na tebliğ olarak sunulmuştur, p: 247-251. 1995.
- 31- Cuervo-Cazurra, Alvaro & Ruth V. Aguilera "Codes of Good Governance Worldwide: What is the Trigger?" in, Organization Studies, Vol. 25, No. 3, pp: 215-443. 2004.
- 32- Debiel, Tobias, & Ulf Terlinden Promoting Good Governance in Post-Conflict Societies, Eschborn, Germany, Deutsche Gesellschaft für. 2005.
- 33- Demmers, Jolle. et al Good Governance in the Era of Global Neoliberalism Conflict and depolitisation in Latin America, Eastern Europe, Asia and Africa, Routledge, London & New York. 2004.
- 34- Deng, Francis M & Terrence Lyons African Reckoning : A Quest for Good Governance, Brookings Institution Press, Washington D.C. 1998.
- 35- Denizer, Faik Utkan Dede Korkut Oğuznameleri Üzerinde Yei Çalışmalar, in, Turkish Studies, International Periodical For the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic, Vol. 1/2, p: 303-322. 2006.
- 36- Dostal, Robert J. The Cambridge Companion to Gadamer, Cambridge, Cambridge University Press. 2002.
- 37- Dündar, L. Burcu. Dede Korkut'tan Murathan'a Deli Dumrul, Ankara, in, Adam Öykü, Mayıs-Haziran, No. 34, p: 75-83. 2001.
- 38- Ergin, Muharrem. Dede Korkut Kitabı, Ankara, Hisar Kültür Gönüllüleri. 2003/1964.
- 39- Farr, Charlotte F. A. The Music of Professional Musicians of North Iran (Azerbaijan), PhD Thesis, University of Washington. 1976.
- 40- Gadamer, Hans-Georg. Truth and Method, Translation revised by Joel Weinsheimer and Donald G. Marshall, London & New York, Sheed & Ward Ltd and the Continuum Publishing Group. 2004.
- 41- Gayibov, Seyran Kitab-ı Dede Korkut'taki Tutsaklık Durumu Karşısında Oğuz'un Yutum, Baku, Uluslararası Sosyal Ara_tirmalar Dergisi, The Journal Of International Social Research, Vol. 1/3, p: 131-152. 2008.
- 42- Guttal, Shalmali Disclosure, or Deception? Multilateral Institutions and Access to Information, Bangkok, in, Good Governance or Bad Governance, Chulalongkorn University. 2002.

- 43- Hatchard, John et al. *Comparative Constitutionalism and Good Governance in the Commonwealth: An Eastern and Southern African Perspectives*, Cambridge University Press, Cambridge. 2004.
- 44- Langlands, Alan. *The Good Governance Standard for Public Services*, London, Hackney Press Ltd. 2004.
- 45- Mayring, Philipp. "Qualitative Content Analysis", in, *Forum: Qualitative Social Research*, Vol. 1. No. 2, June. 2000.
- 46- Nanda, Ved P. "The "Good Governance" Concept Revisited", in, *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, Sage Pub, Vol. 603, January, pp: 269-283. 2006.
- 47- Nathan, Dev & Niaz Ahmed Apu. "Securing Women's Property Rights: Problems of Good Governance and Establishing Norms of Economic Functioning", in, *Gender, Technology and Development*, Sage Pub, Vol. 6, No. 3, pp: 373-388. 2002.
- 48- Neumayer, Eric. *The Pattern of Aid Giving The impact of good governance on development assistance*, Routledge, London & New York. 2003.
- 49- Onyejekwe, Okey. *The Role of Good Governance in the National Implementation of the BPOA: The Need for a Capable State*, New York, Economic Commission for Africa (ECA). 2004.
- 50- Riffe, Daniel et al. *Analyzing Media Messages: Using Quantitative Content Analysis in Research*, Lawrence Erlbaum Associates Publishers, New Jersey. 1998.
- 51- Rosa, Donna. *The Anti-Corruption and Good Governance Act, United States*, *The Journal of Public Inquiry*, fall/Winter, pp: 1-2. 2001.
- 52- Sheridan, R. Ashhan Aksoy. *Sozlu Formul Kuramı Işığında Dede Korkut Kitabı'na Bakis*, Cev. Figen Karaboga, in, *Milli Folklor*, No. 79, p: 21-32. 2008.
- 53- Spannagel, Christian et al. "Application of Qualitative Content Analysis in User-Program Interaction Research", in, *Forum: Qualitative Social Research*, Vol. 6. No. 2, May. 2005.
- 54- Tarling, Nicholas et al. *Corruption and Good Governance in Asia*, Routledge, London & New York. 2005.
- 55- Thakur, Ramesh & Oddny Wiggen. *South Asia in the World: problem solving perspectives on security, sustainable development, and good governance*, United Nations University Press, Tokyo. 2004.
- 56- Toksoy, Ahmet. *Dede Korkut Destanlarında Tav-Elı ve Cevresi*, in, *Turkish Studies, International Periodical For the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic*, Vol. 3/1, p: 121-128. 2008.
- 57- Ustunova, Kerime. *Dede Korkut Destanlarında, Asamalı Tekrarların Uslup Ozelliklerini Bicimlendirisi Uzerine*, Ankara, Fen-Edebiyat Fakültes, Sosyal Bilimler Dergisi, No. 14/1, p: 229-237. 2008.
- 58- Wagener, Hans-Jurgen. *Good Governance, Welfare, and Transformation*, in, *The European Journal of Comparative Economics*, Vol. 1, n. 1, pp: 127-143. 2004.
- 59- Wilks, Judith M. *Aspects of the Koroglu Destan: Chodzko and Beyond*, PhD Thesis, Department of Near Eastern Language and Civilizations, Chicago, Illinois. 1995.
- 60- Woods, Ngaire. "The Channing Politics of Aid", in, *Exporting Good Governance*, Edited by Jennifer Welsh and Ngaire Woods, Wilfrid Laurier University Press, Canada, pp: 3-19. 2007.
- 61- Zanger, Sabine C. "Good Governance and European Aid: The Impact of Political Conditionality", in, *European Union Politics*, Sage Pub. Vol. 1, No. 3, pp: 293-317. 2000.